

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته:	در تاریخ	نام و نام خانوادگی دانشجو:
		از پایان نامه خود باعنوان:
	دفاع نموده است.	با درجه و نمره
امضاء اعضای هیأت داوری	سمت	نام و نام خانوادگی اعضای هیأت داوری
	استاد راهنما	۱
	استاد مشاور	۲
	استاد داور	۳
مدیر/معاونت پژوهشی		مراتب فوق مورد تأیید است.
مهر و امضاء		



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

مجموعه علوم تربیتی

پایان نامه تحصیلی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: مدیریت آموزشی

عنوان:

**بررسی اثر بخشی روش یادگیری مشارکتی بر مهارتهای اجتماعی،
خودپنداره تحصیلی و عملکرد در درس ریاضی دانش آموزان**

پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان داراب

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سیامک رضا مهجور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر شاپور امین شایان جهرمی

نگارش:

محمود خوش رو

تابستان ۱۳۸۸

تقدیم به:

سپاسگزاری

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر روش یادگیری همیارانه بر مهارت های اجتماعی، خودپنداره تحصیلی و عملکرد در درس ریاضی پرداخته است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پسر راهنمایی شهرستان داراب بودند بدین منظور ۶۰ نفر از دانش آموزان مدرسه امیر کبیر این شهرستان که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ به تحصیل اشتغال داشتند. با استفاده از روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل (۳۰ نفر) و آزمایش (۳۰ نفر) جایگزین شدند.

در گروه آزمایش شیوه یادگیری همیارانه و در گروه کنترل هیچ مداخله ای صورت نگرفت. و محتوای برنامه آموزش ۵ درس کتاب ریاضی سال سوم راهنمای بود که به دانش آموزان آموزش داده شد ابزار تحقیق در این مطالعه عبارت بودند از: آزمون خود پنداره تحصیلی، آزمون مهارت های اجتماعی و در نهایت آزمون مربوط به عملکرد ریاضی معلم ساخته.

روش تحقیق از نوع آزمایشی بود و طرح تحقیق به صورت پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود که از آنالیز کوواریانس برای مقایسه داده ها استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات آزمودنی ها گروه آزمایش در مقایسه با میانگین نمرات گروه کنترل در پس آزمون به طور معناداری بالاتر بود.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

۱	مقدمه
۶	بیان مسئله
۹	اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۲	اهداف تحقیق
۱۳	فرضیه های تحقیق
۱۴	تعاریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح

فصل دوم

۱۶	۲-۱ ادبیات تحقیق
۱۶	۲-۱-۱ یادگیری مشارکتی
۲۹	ساختار و ویژگی های خاص روش یادگیری همیارانه
۳۳	مراحل اجرای روش مشارکتی (همیارانه)
۳۵	محاسن روش همیارانه
۳۷	۲-۱-۲ مهارت های اجتماعی
۴۶	شیوه های آموزش مهارت های اجتماعی
۴۸	۲-۱-۳ خود پنداره (مفهوم خود)
۴۹	مفهوم خود پنداره تحصیلی
۵۲	ارتباط مفهوم خود کلی با مفهوم خود تحصیلی

- الگوهای نظری مفهوم خود تحصیلی ----- ۵۳
- ارتباط مفهوم خود تحصیلی با پیشرفت تحصیلی ----- ۵۵
- ۲-۲ بررسی تحقیقات پیشین ----- ۵۹

فصل سوم

- جامعه آماری ----- ۶۹
- نمونه و روش نمونه گیری ----- ۶۹
- نوع پژوهش ----- ۷۰
- ابزار پژوهش ----- ۷۰
- روایی آزمون ----- ۷۱
- پایایی آزمون ----- ۷۱
- روش نمره گذاری ----- ۷۲
- روش اجرا ----- ۷۴
- روشهای آماری ----- ۷۸

فصل چهارم

- تجزیه و تحلیل داده ها ----- ۷۹

فصل پنجم

- بحث از نتایج ----- ۹۱
- نتیجه گیری کلی ----- ۹۵
- محدودیت ها ----- ۹۵

پیشنهادات ----- ۹۵

پیوست ها ----- ۹۷

منابع فارسی ----- ۱۱۳

منابع لاتین ----- ۱۱۶

فهرست جداول

صفحه

عنوان

جدول ۱-۲: رابطه مفهوم خود تحصیلی و پیشرفت آموزشی بلوم	۵۷
جدول ۱-۴: نمرات عملکرد تحصیلی آزمودنیهای گروه آزمایش	۷۹
جدول ۲-۴: نمرات عملکرد تحصیلی آزمودنیهای گروه کنترل	۸۰
جدول ۳-۴: نمرات مهارتهای اجتماعی آزمودنیهای گروه آزمایش	۸۱
جدول ۴-۴: نمرات مهارتهای اجتماعی آزمودنیهای گروه کنترل	۸۲
جدول ۵-۴: نمرات خود پنداره تحصیلی آزمودنیهای گروه آزمایش	۸۳
جدول ۶-۴: نمرات خود پنداره تحصیلی آزمودنیهای گروه کنترل	۸۴
جدول ۷-۴: شاخص های آمار توصیفی نمرات عملکرد تحصیلی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون	۸۵
جدول ۸-۴: شاخص های آمار توصیفی نمرات مهارتهای اجتماعی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون	۸۶
جدول ۹-۴: شاخص های آمار توصیفی نمرات خود پنداره تحصیلی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون	۸۷
جدول ۱۰-۴: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس (تأثیر یادگیری همیارانه بر عملکرد تحصیلی)	۸۸
جدول ۱۱-۴: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس (تأثیر یادگیری همیارانه بر مهارتهای اجتماعی)	۸۹
جدول ۱۲-۴: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس (تأثیر یادگیری همیارانه بر خود پنداره تحصیلی)	۹۰

فهرست نمودار

صفحه

عنوان

نمودار ۱-۲: همبستگی بین پیشرفت تحصیلی و مفهوم خود تحصیلی در طول سال های تحصیل. -- ۵۶

نمودار ۲-۲: تأثیر شکست و موفقیت بر دانش آموزان با مفهوم خود مثبت----- ۵۸

نمودار ۳-۲: تأثیر شکست و موفقیت بر دانش آموزان با مفهوم خود منفی----- ۵۸

نمودار ۱-۴: میانگین نمرات عملکرد تحصیلی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون-- ۸۵

نمودار ۲-۴: میانگین نمرات مهارتهای اجتماعی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون- ۸۶

نمودار ۳-۴: میانگین نمرات خود پنداره تحصیلی آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون ۸۷

فصل اول

مقدمه

عصر انفجار اطلاعات، پیشرفت علم و گسترش دامنه علوم مختلف، ضرورت کسب معلومات بیشتر و بادوام تر در زمان کوتاه تر با استفاده از مهارت‌های گوناگون را اجتناب ناپذیر می‌سازد بنابراین یکی از وظایف متخصصین تعلیم و تربیت، شناسایی شیوه‌های مناسب جهت انتقال یادگیری^۱ مؤثر از موقعیتی به موقعیت دیگر و همچنین جهت یادگیری سریعتر و بهتر دانش آموزان و دانشجویان و استفاده بهینه فراگیران از زمان محدود آموزشی می‌باشد که البته این مهم در طول تاریخ تعلیم و تربیت، مورد توجه متخصصین این علم بوده است .

متخصصین تعلیم و تربیت در تلاش برای ارائه روش‌های مناسب و مفید جهت استفاده بهینه از فرصت‌ها و امکانات آموزشی در راستای یادگیری بهتر و عمیق‌تر و همچنین انتقال یادگیری مؤثر ضمن مخالفت با تعاریف قبلی تدریس، که آن را انتقال معلومات می‌دانستند، تدریس را کمک به فراگیری برای تفهیم و درک مطالب می‌دانند.

چون وظیفه اصلی و اساسی معلم در تدریس، راهنمایی دانش آموزان برای یادگیری است، لذا او باید با استفاده از شیوه‌های گوناگون در موقعیت‌های مختلف، دانش آموزان را فعالانه با مطالب مورد مطالعه و موقعیت‌های یادگیری درگیر نماید. مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری آنقدر مهم است که بعضی از

متخصصان تعلیم و تربیت میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای یادگیری را به عنوان ملاکی برای ارزیابی معلمین مطرح نموده اند. (تجربه کار، مهشید، ۱۳۷۹)

«یکی از اصول عمده فلسفه ساخت گرایان در تعلیم و تربیت، اهمیت دادن به محیط فعال یادگیری است. به هر حال، اگر تمامی دانش آموزان در کلاس درس همیشه فعال باشند، همه جا را هرج و مرج فرا خواهد گرفت. بنابراین، پیشنهاد می کنیم برای استفاده از یادگیری فعال کلاس درس را در گروههای کوچکی از دانش آموزان که بتوانند به صورتی هماهنگ با یکدیگر کار کنند، راهبردهای یادگیری خود را غنی سازند و شرایطی را به وجود آورند که مشارکت اطلاعاتی امکان وقوع داشته باشد، سازماندهی کنید.

فراهم سازی فرصتهای یادگیری همیارانه به سادگی نمی تواند از طریق قرار دادن دانش آموزان در گروه ها و دادن تکالیفی به آنها صورت گیرد. معلمین باید به دقت گروه ها را انتخاب کرده، برای فعالیت های مربوط به یادگیری همیارانه برنامه ریزی کرده، برای کار گروهی هدفهایی تحصیلی و اجتماعی تعیین کرده و پیشرفت انفرادی دانش آموزان و فرایندهای یادگیری گروهی و اجتماعی را بازنگری کنند». (مهجور، سیامک رضا، غیائی، پروین، ۱۳۷۹، صص ۲۶۵ و ۲۸۹)

در عصر حاضر «یادگیری سنتی»، که در آن معلم متکلم و شاگرد منفعل باشد، جوابگوی نیازهای فراگیران نیست. هر ساله تعداد قابل توجهی از دانش آموزان و دانشجویان به دلیل شیوه «یاددهی^۱» سنتی با «افت تحصیلی^۲» مواجه می شوند و خسارتهای زیادی را بر جامعه تحمیل می کنند. سبک اساسی یاددهی و یادگیری سنتی، ارائه اطلاعات به فراگیران غیر فعال است در این کلاسها، معمول این است که هر فراگیر به تنهایی کار کند. به هر فراگیر گفته می شود «سرت به کار خودت باشد»، «باهم صحبت نکنید»، «باهم مشورت نکنید» و ... و در حالیکه این روی آورد با نیاز اساسی بشر به تعلق داشتن و با اهمیت بودن در نظر

دیگران تناقض دارد. در نظام سنتی، معلمان مسئول یاددهی و فراگیری ملزم به یادگیری هستند ولی در شیوه های نوین یادگیری و یاددهی، معلم کوشش می کند فراگیران را به « تفکر » وادارد و آنها را با موقعیتهای یادگیری درگیر نماید.

روش یادگیری مشارکتی (همیارانه) یکی از الگوهای یادگیری و یاددهی است و یکی از اجزاء مهم یادگیری «مهارتهای شناختی» می باشد. ویژگی منحصر به فرد این روش، انعطاف پذیری و قابلیت اجرای آن، در تمام مقاطع تحصیلی و عناوین مختلف درسی است. بعلاوه اهداف گروهی، مسئولیت فردی، پادشاهی گروهی و ایجاد فرصت مساوی برای موفقیت افراد در گروه از جمله عوامل مؤثر در پیشرفت یادگیری مشارکتی (همیارانه) است. (ایوبی، حسن، ۱۳۷۷)

«یادگیری از طریق همیارانه که در شروع قرن بیستم از طرف جان دیویی^۱ مطرح شد (الیس^۲ و والن^۳، ۱۹۹۰) در چند سال اخیر از بحث های دائمی آموزش شده است. معلمین مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان گروه های یادگیری از طریق همیارانه را مورد آزمایش قرار می دهند تا ببینند آیا یادگیری دانش آموزانشان بیشتر و بهتر می شود یا صرفاً از یادگیری لذت می برند؟

در دهه ۱۹۸۰ تحقیقات دامنه داری در این زمینه به عمل آمده (راجرز جانسون^۴ و دیوید جانسون^۵ در دانشگاه مینه سوتا و رابرت اسلاوین^۶ در دانشگاه جان هاپکینز و ...) معلمین در اکثر کشورها و در تمام گروه های سنی از دبستان تا دانشگاه و آموزش بزرگسالان از این روش بهره می جویند.

کارشناسان مؤسسه منظومه خرد با اعتقاد به سودمندی و فواید تکنولوژی «یادگیری از طریق همیارانه» از مدتی پیش این طرح را در آموزش تعدادی از دروس به دانش آموزان و دوره های آموزشی

-
- 1- Jahn dewey
 - 2- Alice
 - 3- valon
 - 4-Rojers johnson
 - 5- David johnson
 - 6- Robert slavin

معلمین به کار برده اند و به تجربیاتی در امکان پذیری، متناسب سازی و توسعه کاربرد آن نایل آمده اند».

(ترجمه حائری زاده، خیریه بیگم، قاسم خان، سودابه، محمد حسین، لیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰)

با توجه به تغییرات و پیشرفت های سریعی که در علوم روی می دهد، دانش آموزان ما نیازمند روش هایی هستند که از طریق آن ها به مهارت های یادگیری دست یابند تا خود بتوانند علوم را بهتر و سریع تر و همگام با پیشرفت ها بیاموزند، روش « یادگیری مشارکتی » یا « یادگیری همیارانه » دانش آموزان را در این امر یاری می کند.

از آن جا که قواعد علمی و دانش بشری دائماً در حال پیشرفت و جایگزینی هستند، ما باید به دانش آموزان مهارت های فراگیری علوم را هم بیاموزیم تا هیچ گاه در تنگنا قرار نگیرند. « یادگیری همیارانه » یکی از این روشهاست که هدفهای عمده آن عبارتند از : درگیر کردن دانش آموزان در فرایند یادگیری، از بین بردن حالت تک بعدی و معلم محور کلاسها، و ایجاد علاقه و انگیزه به یادگیری فعال در دانش آموزان. با توجه به مشکلات فعلی در جامعه ما که انگیزه تحصیل را در دانش آموزان و به خصوص پسران، تا حدود زیادی از بین برده است، اگر روشی بتواند این انگیزه را به آن ها بر گرداند و به کلاس و درس علاقه مند کند، باید از آن استقبال کرد.

در کار گروهی، دانش آموزان مهارت هایی مانند: مشورت کردن، فرماندهی و سازماندهی را هم می آموزند (جانسون و جانسون ۱۹۹۰). در این روش، معلم تدریس نمی کند، بلکه نقش راهنما را دارد و فقط اشکالات را رفع می کند. وظیفه یاد دادن و یادگیری به عهده دانش آموزان است (نظری صارم، یحیی، ۱۳۷۹).

از آنجایی که روش یادگیری فعال، همیاری همه جانبه دانش آموزان را می طلبد لذا رشد همه تواناییهای بالقوه دانش آموز در گروه اتفاق می افتد، آنها مهارت اجتماعی پیدا می کنند، با نظرات مخالف

عقیده های خود آشنا می شوند، با اعلام نظرات خود به خود ابرازی مؤثر دست می یابند، و با تحمل اندیشه های مخالف و مغایر، از تفکرات منطقی دفاع می کنند و از دیدگاههای مختلف به نقد و بررسی موضوعات می پردازند آشکار است که دست یابی به چنین اهداف ارزشمندی از ضروریات رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی هر جامعه پویاست در واقع مجهز شدن کودکان و نوجوانان، در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به بسیاری از مفاهیم و ارزش های اجتماعی مانند: همکاری، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین و مقررات، تفکر منطقی، رعایت حق تقدم، تلاش برای دستیابی اهداف مشترک قبل از اقدام به عمل و بسیاری از مهارت های اجتماعی دیگر، لازمه سازگاری مطلوب در جوامع پویای امروزی است. با توجه به اهمیت رشد رفتارهای اجتماعی در کودکان این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان مهارت های اجتماعی را به کودکان منتقل کرد؟ کاملاً واضح است که یکی از نهادهای مؤثر در اجتماعی ساختن کودکان بعد از خانواده، مدرسه می باشد و آنچه در مدرسه بیش از همه مورد اهمیت قرار دارد شیوه تدریس معلم می باشد از آنجا که بسیاری از تجربیات کودکان در دوران کودکی و نوجوانی از طریق تجارب مستقیم و ملموس بدست می آید بنابراین معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت می توانند با تدوین برنامه های متناسب با نیازهای دانش آموزان و هدفمند به کودکان کمک نمایند تا محدوده رفتارهای اجتماعی پسندیده را از رفتارهای اجتماعی ناپسند معین کنند، و از روش های قابل قبول برای ابراز احساسات و عواطف خود استفاده کنند این امر نه تنها موجب افزایش تجارب فردی در آنها می گردد، همچنین توانایی های همکاری و سازگاری با دیگران را که از نشانه های بارز رشد اجتماعی است در کودکان پرورش می دهد.

بیان مسأله

زمانی که فراگیران می فهمند که کارآیی تیم مستلزم آن است که هر فرد یک بخش از موضوع را فراگیرد و سپس آن را به دیگران درس دهد، انگیزه مند می شوند که بخش تعیین شده را خوب مطالعه کنند و آمادگی لازم جهت کار تیمی را کسب کنند تا بتوانند به تیم خود کمک کنند.

هم چنین به آن عضو تیم که درس می دهد کمک می کنند تا آنجا که ممکن است در تدریس بخش تعیین شده موفق باشد. با این روش تیم می تواند یادگیری اش را به حداکثر برساند. (حائری زاده، خیریه بیگم و همکاران، ۱۳۸۱)

«فراهم سازی فرصتهای یادگیری همیارانه به سادگی نمی تواند از طریق قرار دادن دانش آموزان در گروه ها و دادن تکالیفی به آنها صورت گیرد. معلمین باید به دقت گروه ها را انتخاب کرده، برای فعالیتهای مربوط به یادگیری همیارانه برنامه ریزی کرده، برای کار گروهی هدفهایی تحصیلی و اجتماعی تعیین کرده و پیشرفت انفرادی دانش آموزان و فرایندهای یادگیری گروهی و اجتماعی را بازنگری کنند.» (مهجور، سیامک رضا، غیاثی، پروین، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹)

جانسون و جانسون (۱۹۸۱) و اسلاوین (۱۹۹۰) به نقل از سیف (۱۳۷۹) می گویند وقتی که موفقیت دانش آموزان به کمک و مشارکت سایر اعضای گروه وابسته است بیشتر به صورت مشارکتی فعالیت می کنند. برای این منظور می توان مواد آموزشی را میان اعضای گروه تقسیم کرد و از هر یک از آنان خواست تا مطالب مهم خود را بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد.

مشارکت در فعالیت ها می تواند منجر به افزایش مهارتهای اجتماعی در دانش آموزان گردد چرا که یکی از مؤلفه های بهبود، و افزایش مهارتهای اجتماعی، مدرسه و نحوه آموزش مطالب می باشد، دانش آموزان بسیاری از مطالب را از یکدیگر یاد می گیرند. برنامه ریزی و همکاری با هم نه تنها از نظر

رشد شناختی به آنها کمک می کند، بلکه از جنبه رشد اجتماعی نیز باعث رشد و شکوفایی آنان می شود. همکاری در گروه دانش آموزان را تشویق می کند که به نظریات افراد دیگر گوش فرا دهند، درمورد مسائل و موضوعات گوناگون با یکدیگر بحث کنند، یاد بگیرند که درباره پدیده های اطراف خود قضاوت کنند و سرانجام، مسئولیتی را به عهده بگیرند. از دهه ۱۹۷۰ سنجش مهرتهای اجتماعی و اقدامات مربوط به آن یکی از فعال ترین عرصه های تحقیقات روانشناسی بوده است. اگرچه بیشتر این تحقیقات درمورد بزرگسالان بوده است ولی به طور پیوسته توجه خاص و با اهمیتی به مهارتهای اجتماعی در کودکان نیز وجود داشته است و توجه روز افزون و متناهی به مهارتهای اجتماعی شده است. خصوصاً توجه اصلاحگران رفتار را به خود جلب نموده است. (هانسن^۱، ۱۹۹۳)

تحقیقات در این باره نشان داده اند که در طول سالهای مدرسه ۱۰ تا ۱۵ درصد همه کودکان به وسیله همسالان خود طرد می شوند و نیز امکان طرد مستمر ناسازگاری در مراحل بعدی زندگی آنان وجود دارد و علت آن این است که این دسته از کودکان فاقد مهارتهای اجتماعی لازم می باشند بنابراین توسعه نوعی برنامه آموزش مهارت های اجتماعی لازم است. (پارکر^۲، آشر^۳، ۱۹۸۷، به نقل از برمن و مونت میتی^۴ ۱۹۹۳) گروهام و الیوت^۵ (۱۹۸۴) مهرتهای اجتماعی را به عنوان رفتارهای یادگرفته شده قابل قبول اجتماع که فرد را به تعامل به روشی که پاسخ های مثبتی را فرا می خواند و از پاسخ های منفی اجتناب می نماید تعریف نموده اند.

بنابراین میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیت های اجتماعی و گروهی و میزان مسئولیت پذیری آنها برای ایفای نقش مثبت در جامعه تأثیر شگرفی بر رشد مهارتهای اجتماعی آنان دارد زیرا در خلال همین

1- Hansen

2-Parker

3-Asher

4-Bierman & Montmity

5-Jresham & Elliot

مشارکت در برنامه های مختلف است که می تواند قدرت برقراری ارتباط اجتماعی و توان سازگاری او با دیگران را سامان داد و همه این ها به رشد مطلوب او منجر خواهد شد از طرف دیگر شرکت در گروه های آموزشی ضمن تعالی بخشیدن به مهارت های اجتماعی دانش آموزان موجب افزایش رشد شناختی و بهبود عملکرد تحصیلی آنها می گردد و موفقیت تحصیلی به نوبه خود سبب می گردد که شخص کم تصور مثبت نسبت به خویشتن پیدا کند و به خود باوری و اعتماد به نفس لازم دست یابد. لذا با توجه به این مسائل و مشکلات موجود انتظار می رود مربیان و معلمان نگاه تازه ای به آموزش بیاندازند و به رخدادهای آموزشی رویکردی نو داشته باشند و با استفاده از انواع روش های فعال یادگیری موجبات رشد قوه تفکر، خلاقیت، اعتماد به نفس، روحیه جستجوگری دانش آموزان فراهم آورند و آنها را برای ورود به دنیای پیچیده امروز آماده کنند.